

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دوازدهم - سال تحصیلی ۹۴-۹۵

جلسه ۲۴ - شنبه ۳۰/۸/۹۴

بررسی راه حل محقق اصفهانی رحمته الله علیه

محقق اصفهانی رحمته الله علیه فرمودند اگر زمان به نحو وجود محمولی مأخوذ باشد، یعنی «الصلاة في الوقت الموقّت لها» یا «الامساک فی النهار» مشکلی وجود ندارد. اما اگر زمان به وجه نعتی مأخوذ باشد، یعنی ناعت باشد؛ «الصلاة النهارية و الامساک النهاری» مبتلا به اشکال مثبتیت استصحاب می‌شویم.

شهید بزرگوار صدر رحمته الله علیه چهار اشکال بر ایشان وارد کردند که همه‌ی آن اشکالات را دفع کردیم و تنها یک اشکال بنابر مشرب معروف بین قوم بر ایشان وارد است و آن چنین است که؛

اگر استصحاب به نحو کان تامه جاری گردد، گرچه حالت سابقه دارد ولی اثبات وقوع صلات در نهار با این استصحاب، مثبت خواهد بود زیرا لازمه‌ی عقلی آن است؛ به دلیل آنکه اثبات یک وجود برای رسیدن به فرد خاص، مثبت است. مثلاً استصحاب کَرِیت برای اثبات کَرِیت هذا الماء، مثبت است. در ما نحن فیه نیز استصحاب نهار به نحو کان تامه، (نهار بود الان هم هست) برای اثبات وقوع نماز در نهار، مثبت است؛ زیرا اصل نهار با استصحاب اثبات می‌شود اما اینکه این قطعه نیز نهار است، لازمه‌ی عقلی آن است پس مثبت می‌شود و نهایتاً بالوجدان احراز می‌کنیم نماز در زمان واقع شده است، ولی نمی‌شود اثبات کرد که در زمانی که آن زمان، نهار است واقع شده است.

اما اگر نهار به نحو کان ناقصه استصحاب شود؛ یعنی گفته شود این قطعه از زمانی که می‌آید و صلات در آن واقع می‌شود نهار است، همان اشکال عدم حالت سابقه وارد می‌شود؛ زیرا زمانی که الآن می‌آید قبلاً نبوده و تازه پدید آمده است و حالت سابقه ندارد، پس چگونه بگوییم این زمانی که الآن پدید می‌آید سابقاً نهار بوده پس الآن هم باقی است؟! بلکه می‌توانیم استصحاب عدم ازلی در حق آن جاری کنیم و بگوییم این زمان وقتی که نبود وصف نهاریت نداشت، اکنون که پیدا می‌شود آیا وصف نهاریت هم با آن حاصل

می‌شود یا خیر؟ اصل عدم جاری است البته به نحو عدم ازلی.

آری، اگر کسی توانست حتی به نحو کان ناقصه، نهار و لیل و ماه رمضان و شوال و محرّم را استصحاب کند، دیگر این اشکال از او مندفع می‌شود. اما اینکه می‌شود یا خیر، مشهور قائلند نمی‌شود ولی باید قدری در آن تأمل و بررسی انجام داد که به زودی به آن خواهیم پرداخت إن شاء الله.

راه حل آخوند^{رحمته} در استصحاب زمان

راه حل دیگری در استصحاب زمان برای اثبات وقوع متعلق احکام در زمان‌های معینی که برای آنها قرار داده شده است، راهکاری می‌باشد که مرحوم صاحب کفایه ذکر فرموده است. ایشان فرموده‌اند^۱ مثلاً کسی که در حال امساک است، در صورتی که آخر وقت شک کند اگر امساک او ادامه پیدا کند امساک نهاری است یا خیر، حتی به نحو قید «الإساک النهاری» می‌تواند استصحاب کند.

بیان مطلب: لحظه‌ی قبل، امساک او امساک نهاری بود، شک می‌کند این امساک نهاری هنوز ادامه دارد یا خیر، استصحاب «کون هذا الامساک، امساکاً نهارياً» جاری است. پس مشکل حل می‌شود و می‌توانیم متعلق را با استصحاب احراز کنیم.

نقد و بررسی راه حل صاحب کفایه^{رحمته}

أولاً: اگر کلام صاحب کفایه تمام باشد، در جاهایی تمام است که در میان وقت، بعد از تلبس به عمل، مکلف شک کند که وقت باقی است یا خیر. مانند اینکه شخص روزه بوده، شک می‌کند امساکش هنوز امساک نهاری است یا خیر، چون حالت سابقه‌ی او امساک نهاری بوده استصحاب جاری می‌کند. اما اگر کسی حالت سابقه‌اش تلبس به اتیان متعلق نبوده است؛ مثلاً آخر وقت است و مشغول نماز نبوده، شک می‌کند اگر الآن نماز بخواند نماز در وقت را انجام داده است یا خیر، در اینجا چگونه استصحاب کند؟! آری در روزه می‌تواند استصحاب کند؛ چون قبل از شک، روزه بوده است و امساکش این چنین بوده

۱. کفایة الأصول (ط - آل البيت)، ص ۴۰۹.

و أما الفعل المقيد بالزمان فتارة يكون الشك في حكمه من جهة الشك في بقاء قيده و طورا مع القطع بانقطاعه و انتفائه من جهة أخرى كما إذا احتمل أن يكون التعبد به إنما هو بلحاظ تمام المطلوب لا أصله فإن كان من جهة الشك في بقاء القيد فلا بأس باستصحاب قيده من الزمان كالنهار الذي قيده به الصوم مثلا فيترتب عليه وجوب الإمساک و عدم جواز الإفطار ما لم يقطع بزواله كما لا بأس باستصحاب نفس المقيد فيقال إن الإمساک كان قبل هذا الآن في النهار و الآن كما كان فيجب فتأمل.

فإن كان من جهة الشك في بقاء القيد فلا بأس باستصحاب قيده من الزمان كالنهار الذي قيده به الصوم مثلا فيترتب عليه وجوب الإمساک و عدم جواز الإفطار ما لم يقطع بزواله كما لا بأس باستصحاب نفس المقيد فيقال إن الإمساک كان قبل هذا الآن في النهار و الآن كما كان فيجب فتأمل.

است؛ اما در نماز که مشغول نبوده تا بگوید نماز من نهاری بود و هنوز باقی است. مگر اینکه این چنین بگوید: اگر نماز می آوردم در نهار بود و الآن هم اگر بیاورم در نهار است، که همان استصحاب تعلیقی است که در کلمات محقق عراقی رحمته الله بود و جواب داده شد.

پس بر فرض اینکه مدعای آخوند رحمته الله درست باشد، فی الجمله می تواند مشکل را حل کند و آن در جایی است که فرد متلبس به اتیان متعلق باشد و بعد شک در بقاء زمان کند.

ثانیاً: نظیر همان اشکالی که بر بیان مرحوم اصفهانی وارد شد، بر ایشان وارد می شود به این بیان که: امساک در لحظه ی قبل، نهاری بود، امساک بعد هنوز نیامده است. چگونه می توانیم بگوییم امساک که نیامده است سابقاً نهاری بود، الآن هم نهاری است؟! یقین سابق وجود ندارد. امساک از این لحظه به بعد، امساک حادث است و نمی توان گفت این امساک قبلاً بوده است.

بنابراین چون حالت سابقه ی متیقنه ندارد قابل استصحاب نیست. البته بیان شد به این اشکال دوباره بر می گردیم تا بررسی شود، ولی به هر حال تا آن قضیه حل نشده باشد این اشکال وجود دارد.

تذکر

استصحاب برای احراز متعلق به نحوی که آخوند گفت یا دیگران می گویند، جاری باشد یا جاری نباشد، آیا تفاوتی در مقام عمل پیدا می شود یا خیر؟

اگر با استصحاب وقت، تکلیف مترتب شود - که علی الفرض مترتب می شود - وجوب امساک و وجوب صلات محقق است و اگر استصحاب بتواند اثبات کند آن فردی که اتیان شده است، «مأتی به» همان «مأمور به» می باشد، می توان به طور جزم قصد قربت کرد.

اما اگر با استصحاب نتوانستیم احراز کنیم فردی که می آوریم مأمور به است و فقط از باب اینکه مؤمن ترک نداریم آن را می آوریم، دیگر نمی شود قصد قربت به خصوص آن فرد کرد و حکم کرد مأتی به، مأمور به است و فقط احتمال آن داده می شود، لذا باید رجاء آورده شود؛ زیرا آخر وقت با استصحاب وقت می فهمیم تکلیف هنوز باقی است و باید نماز خواند و روزه گرفت، اما آیا آنچه اتیان می شود مصداق تکلیف است یا خیر، نمی توانیم آن را احراز کنیم، پس نمی توانیم با آن قصد قربت کنیم لذا رجاء و احتیاطاً آورده می شود. مسأله ی لزوم قضاء را هم قبلاً متعرض شدیم.

راه حل دیگری برای رفع اشکال در استصحاب زمان و زمانیات و بررسی آن

این راه حل^۱ که آخرین راه حلی است که ذکر می کنیم، چنین است:

چرا استصحاب نهار جاری می کنید تا اگر به نحو کان تامه باشد، گرفتار مثبتیت شوید یا اگر به نحو کان ناقصه باشد گرفتار محذور عدم یقین حالت سابقه شوید؟!

از وادی استصحاب زمان خارج شوید و نفس حکم را بما له من المتعلق استصحاب کنید. کسی که آخر وقت شک می کند آیا اگر نماز را بیاورد در وقت انجام می شود یا خیر، درست است که اگر استصحاب زمان به نحو کان تامه کند، گرفتار محذور مثبتیت می شود و به نحو کان ناقصه نیز دچار محذور عدم حالت سابقه می متیقنه می شود، ولی اگر اصلاً با زمان کاری نداشته باشیم و تنها حکم را بما له من المتعلق در نظر بگیریم، می توانیم بگوییم:

این فرد قبلاً وجوب صلات در وقت خاص را داشت، اکنون هم وجوب صلات در وقت خاص را دارد، پس صلاتی که به عنوان امثال این حکم آورده می شود صلات در وقت خاص آن است. از مجموع آنچه بیان شد اشکال این بیان نیز روشن می شود.

اولاً: این راه حل برای کسی است که وجوب و حکم قبل از این زمان بر او فعلی شده باشد. اگر کسی بالغ نبود و چند لحظه آخر وقت بالغ شد، شک می کند آیا الآن نماز بر او واجب است یا خیر، وجوب

۱. فراند الاصول (ط - انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۶۴۴:

نعم لو أخذ المستصحب مجموع الليل مثلا أو النهار و لوحظ كونه أمرا خارجيا واحدا و جعل بقاءه و ارتفاعه عبارة عن عدم تحقق جزئه الأخير و تجدده أو عن عدم تجدد جزء مقابله و تجدده أمكن القول بالاستصحاب بهذا المعنى فيه أيضا لأن بقاء كل شيء في العرف بحسب ما يتصور فيه العرف من الوجود فيصدق أن الشخص كان على يقين من وجود الليل فشك فيه فالعبرة بالشك في وجوده العلم بتحقيقه قبل زمان الشك و إن كان تحققه بنفس تحقق زمان الشك و إنما وقع التعبير بالبقاء في تعريف الاستصحاب بملاحظة هذا المعنى في الزمانيات حيث جعلوا الكلام في استصحاب الحال أو لتعميم البقاء لمثل هذا مسامحة.

إلا أن هذا المعنى على تقدير صحته و الإغماض عما فيه لا يكاد يجدي في إثبات كون الجزء المشكوك فيه متصفا بكونه من النهار أو من الليل حتى يصدق على الفعل الواقع فيه أنه واقع في الليل أو النهار إلا على القول بالأصل المثبت مطلقا أو على بعض الوجوه الآتية و لو بنينا على ذلك أغنانا عما ذكر من التوجيه.

ثم إن هنا استصحابات آخر و أمورا متلازمة مع الزمان كطلوع الفجر و غروب الشمس و ذهاب الحمرة و عدم وصول القمر إلى درجة يمكن رؤيته فيها.

فالأولى التمسك في هذا المقام باستصحاب الحكم المرتب على الزمان لو كان جاريا فيه كعدم تحقق حكم الصوم و الإفطار عند الشك في هلال رمضان أو شوال و لعله المراد (بقوله عليه السلام في المكاتب المتقدمة في أدلة الاستصحاب: اليقين لا يدخله الشك صم للرؤية و أظفر للرؤية) إلا أن جواز الإفطار للرؤية لا يتفرع على الاستصحاب الحكمي إلا بناء على جريان استصحاب الاشتغال و التكليف بصوم رمضان مع أن الحق في مثله التمسك بالبراءة لكون صوم كل يوم واجبا مستقلا.

سابقی بر او نبود پس چگونه آن را استصحاب کند؟! پس راهکار مذکور اخص از مدعا است.
ثانیاً: واضح است که مثبت است؛ چون اگر استصحاب وجوب صلوات مقیده اثبات کند که مأتی به نیز صلوات در وقت است، از اوضح انواع اصل مثبت است؛ زیرا انطباق مأمور به بر مأتی به، عقلی است نه شرعی.

چند مطلب مهم در بحث استصحاب تدریجیات

مطلب اول

اولین مطلب این است که نوع اصولیون فرموده‌اند در صورتی که شک کنیم زمانی که شرط تکلیف هست باقی است یا خیر، این شرط به نحو کان تامه است و می‌توان آن را استصحاب کرد و در نتیجه تکلیف هم بر آن مترتب است. تقریباً مفروغ منہ گرفته شده است که زمان‌هایی که شرط تکلیف است به نحو کان تامه شرط است، در نتیجه استصحاب آن جاری است و تکلیف هم مترتب است.

در مورد این مطلب باید گفت گاهی در مقام ثبوت بحث می‌شود و گاهی در مقام اثبات؛

اما ثبوتاً؛ اینکه زمان مأخوذ در موضوع احکام لزوماً به نحو کان تامه است، ادعایی بدون دلیل است. گرچه مرحوم نائینی ادعا فرموده که محال است زمان به نحو کان ناقصه در موضوع احکام اخذ شود، لکن به نظر می‌رسد ثبوتاً می‌توانیم زمان را به نحو کان تامه و نیز به نحو کان ناقصه اخذ کنیم.

به نحو کان تامه که روشن است: «إن كان النهار فتصدق»؛ اگر روز موجود بود صدقه بده. یا «إن كان الليل فتصدق». مشکلی وجود ندارد؛ حالت سابقه‌اش نهار بوده است و ما هم می‌دانستیم، پس حکم می‌شود الآن هم موجود است یا لیل موجود بوده الآن هم موجود است.

به نحو کان ناقصه هم قابل تصور است. مثلاً بگوییم «إن كان هذا الزمان نهاراً فتصدق». در زمانیات هم می‌توان گفت؛ «إن كان جلوسك هذا في النهار فتصدق»؛ اگر این جلوس در نهار باشد، صدقه بده. مشکل چنین اخذی چیست؟!

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی